

9

خاستگاه فکری آقا فکری محله‌شان بود؛ کوچه ناظم‌الدوله پشت مسجد سپهسالار و مجلس شورای ملی وقت. محلی که دایم محل تجمع مردم بود. او در جوانی، خود از دل همین فریادهای مرده باد و زنده باد قد کشیده بود. محله‌ای پر از اعلامیه‌ها و شبنامه‌ها. همان شبنامه‌هایی که آقا در آن به عنوان نوگراترین ورزشی نویس دهه چهل، به طیف ضد تاجی آقا فکری و همدوره‌های‌های او وصل کرد. آنهایی که این دورا در گریه‌های شبانه در شام غریبان تختی دیده بودند باید بگویند که در آن شب دشوار ورزش ایران چه گذشت. آقا در عاشق تیتروهای شاعرانه بود و پشتیبان تمام گوش شکسته‌هایی که زوال رستم و جوانمردگی سهراب را در افسانه‌های جدید تشک کشتی پی می‌گرفتند. یک بار وقتی تیم ملی با شکست از مسابقات جهانی برگشت و در جامعه ورزش جو افتاد که شاه با بی‌غیرت خواندن آنها دلش را خنک کرده است آقا در شبنه همان هفته با چاپ دلنویسته‌ای از کشتی‌گیران ایران دفاع و حکم قتل خود را امضا کرد. او تقصیرات را به گردن رهبران درباری ورزش ایران انداخت که مسبب تمام شکست‌ها و خموشی‌ها بودند. فرادیش در محبس نشسته بود و به عاقبت خود فکر می‌کرد که آقا فکری رفته بود قزل قلعه برای ملاقات رفیق گرمابه و گلستانش. آن روزها استوار ساقی که در میان سیاستمداران محبوب، شهره خاص و عام بود خود در قزل قلعه بگیر و ببندی داشت. دوستاق بان مردمداری که به آقا فکری قرار ملاقات داده بود و در همان ملاقات هم بود که ساقی در گوش آقا فکری با آن لهجه غلیظ ترکی‌اش گفته بود: «به این رفیقیت بگو به علیحضرت



نظامی تهران بعد از کودتا، دستگیر شده بود و جالب اینکه سرباز جو در پایان برگ با جویبی‌اش، چیزی نوشته بود که تا مدت‌ها باعث کفوف شدن خود و رفقایاش شده بود: این پوریای ولی است که آورده‌اید زندان؟! پوریای ولی فوتبال ما اما زبانی معترض و با مزه داشت. هر وقت که خفقان در مملکت زیاد می‌شد او یک تیم شهرستانی را انتخاب می‌کرد و می‌رفت برای دل خودش مربیگری کند. در چنین تیم‌هایی بود که بازی‌های تیمش مقابل تاج را که معمولاً خونی از آب درمی‌آمد تبدیل به میتینگ سیاسی تک نفره می‌کرد. فقط کافی بود داور یک تصمیم اشتباه علیه تیمش بگیرد و او تیار ت نه من غریبم بازی‌اش را علیه جایگاه مخصوص راه بیندازد و شاگردش هدایت کچل برود سرش را بکوبد به زمین - کف پیست - تا خون بیاید و تماشاگران تحریک شوند و فکری برود به سمت جایگاه ولیعهدنشین، دست‌هایش را بالا ببرد و چیزهایی زیر لب بگوید. پیرمرد هرگز سر تسلیم نداشت. او دهه سی را با گردنکشی در برابر کودتای ۲۸ مرداد و دهه چهل را به خاطر مرگ رفیقش تختی به عصیان گذرانده و دهه پنجاه را هم که عملیاتش علیه تاج در بازی‌های رودر رو، هر روز وجه خاصی به خود می‌گرفت. چند ماهی بعد از مرگ تختی بود که وقتی رئیس ورزش مملکت دستور به تعطیلی باشگاه‌های مستقل شاهین و دارایی و تهران جوان داد او را عاصی ترک کرد. او که تهران جوانش را روی پلک چشمش بزرگ کرده بود و اتحاد نامحسوس آن سه باشگاه یاغی در مقابل تاج به چنین انحلالی منجر شده بود. دلایل تعطیلی دارایی بسته به تصمیمات خود علی‌اکبرخان محب بود که می‌گفت باشگاه من با این بودجه چندرغازش نمی‌تواند با بودجه چند میلیونی تاج رقابت کند. شاهین هم که به خاطر شعارها و مواضع تماشاگران مخالف خون خود تعطیل شد. فقط مانده بود یک تهران جوان فسقلی که آنجا را هم مقامات ورزش می‌گفتند که چون تبدیل به مرکزیتی برای پرورش تختی‌ها و چریک‌ها شده است درس باید قفل شود و شد. در نامه آقای خسروانی خطاب به وی آمده بود مدیر باشگاه تهران جوان (آقای حسین فکری) بنا به مقتضیات و مصالح عمومی و اجتماعی از تاریخ چهارشنبه ۱۳۴۶/۱۲/۲۳ پروانه آن باشگاه لغو می‌گردد. غیرممنقول است آن قسمت از دارایی باشگاه اعم از منقول و غیرمنقول که متعلق به سازمان تربیت‌بدنی و تفریحات سالم ایرانی است تحویل و رسید دریافت دارید. (رئیس سازمان تربیت‌بدنی و تفریحات سالم ایران / سرلشکر خسروانی)

حالی که از همه دنیا دست شسته بود در پمپ بنزین خود واقع در ایالتی در آمریکا در ق...

10

هسین فکری مربی تیم ملی ایران درباره انتخاب «سوج» بعنوان انتخاب کننده بازیکنان باتکوب با اختیارات نام اظهار داشت:

نغمه میدم این یک عزل بود یا یک کودتا

قضیه روبل‌های غیر «بانکی» در شوروی کار مرا خراب کرد

درجائی صحبت از اختلافات میشود درجای دیگر صحبت از خرج روبلی میشود که از بانک گرفته شده و معلوم نیست از کجا آمده است پیش از آنکه کیهان ورزشی در این موارد گفتگویی کند از فدراسیون فوتبال کشور میخواهیم که در این باره بسرای خوانندگان کیهان ورزشی توضیحاتی بدهند. در ضمن پیش از آنکه مانتیت به تصمیمات جدید بپنجهیمان آوریم همانطور که آقای فکری خواسته‌اند دلایل برکناری ایشان را روشن نموده و اعلام نمایند که چگونه آقای فکری از سمت انتخاب کردن معزول شده‌اند و تصمیمات ایشان را برضایت خود چون آقای فکری معتقدند که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و یا فدراسیون کودتائی کرده‌است برای روشن شدن این مطلب بنظر ما از دوره میتوان رفت - فدراسیون فوتبال بروشنی اشکالات کار گذشته را بیان کرده دلایل ترجیح یک مربی را بدیگری برای همگان تشریح کند. ۲- در روز دوشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر دعوت کیهان ورزشی را پذیرفته و آقایانیکه نام میریم قبول زحمت فرمایند و در تالار کیهان گفتگویی حضوری تشکیل شود. آقای مشیر رئیس فدراسیون فوتبال کشور - آقای ملک‌عزیز عضو فدراسیون و عضو هیات سرپرستی تیم ملی ایران در سفر اخیر - آقای

بعد از آنکه هفته پیش اعلام نظر فدراسیون فوتبال در باره تعیین آقای سوج بعنوان تنها فرد مسئول انتخاب و تشکیل تیم ملی فوتبال در کیهان ورزشی منتشر شد بعلمت کمی فرصت نتوانستیم در باره این تصمیم و همچنین تفسیر پیرامون لیست انتخابی گفتگو کنیم و بناچار قرار کار بدین هفته محول‌گشت اما در جریان هفته پیش آقای حسین فکری مربی سابق تیم ملی که برطبق همان اعلام نظر فکری در کار ترین تیم ملی خواهد بود و چیزی از عنوان او بغیر از ست انتخاب کننده کشته شده با خبرنگار کیهان ورزشی گفتگویی کرده‌اند که بخاطر رعایت بیطرفی و حرمت نظر مربی تیم ملی و جلوگیری از هرگونه ایجاد شائبه غرض و توهم نادرست عیناً و بدون اظهار نظر بدرج آن میادرت میشود کما اینکه در دوشنبه پیش نظریات دوعضو دیگر هیات سابق انتخاب کننده درجند و چون آقای فکری خود را معزول و مورد ظلم میدانند مایبایست انتخاب کننده ایشان که بارها مورد تایید فدراسیون فوتبال قرار گرفته بدرج نظریات ایشان که چینه جوابگویی و انتقاد به تصمیمات جدید را دارد میادرت می‌کنیم.

چکار داری؟ از نخست‌وزیر به پایین هر چی می‌خوای بگو! آقا فکری خندیده بود. این عادت او بود که همیشه به وقت توفان می‌خندید. آدمی رند که خود لیسانس ادبیات داشت و دبیر دبیرستان‌های تهران بود، خودش اهل تیکه بار کردن بود. مدت‌ها بعد هنگامی که در مرگ قضیه تختی و نوشتن

باشگاهدارها به راحتی آب خوردن، پولش را می‌خوردند. او نانش را از زیر سنگ درمی‌آورد و در دوران حوادث سیاسی ایران آبدیده می‌شد. ابتدای داستان زندگی او به کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ برمی‌گشت که آنجا هم البته سربلند بیرون آمده بود. آن روزها که به فرمان تیمور بختیار فرماندار

تیمسار با آن ۲۲۰ میلیون تومان چه کردید؟ «حسین فکری» سخنگوی گروه ورزشی مبارز

چه کرده‌اید ، جواب داد : کجا حدت تا نست از سران برداری . آخوری جوان ، این سوال را فرموده بودند : آخوری جوان تراکتورسازی برای آتافکری (با) را فراموش کرده‌اند بنگارند یا خواسته‌اند که از حقوقشان بدهند ( درست کرده‌اند که ) معلوم ما پول تراکتور را ببرد و بخورد - حوصله جوان و جوانیش از این زمانه‌هاست - ولی بی‌شود کتمان کرده‌اند چنانچه فدراسیون فوتبال به خود برده نیز از آن نوشته‌اند این نوع برداشتی می‌شود .

کلیه دروغ و کزاف‌گویی ایشان نسبت به سوابق تراکتورسازی و تاریخ تاسیس آنرا می‌دانند ، معلوم است فقط می‌سازند کسانیکه هنوز چیزی از ورزش نمی‌دانند - برای آن دسته هم باید گفت : تیم تراکتورسازی سال‌ها قبل از کار خود ادامه می‌داد و در بین من به آنجا هم فقط مربوط به رفتن آقای مشیر بدین به آمریکا بود که معلم داشتند ، آمدند ، پول هائیکه گرفته‌ام با آن برای من تمام شریفی که به کارکنان برنخورده ، نصف پولی که کارکنان مربی بنده ماسین سازی همگانی من می‌گرفتند می‌بردند و منم بود و منم که مسئولان فدراسیون فوتبال در بیان فرموده بودند که مسئولان فدراسیون فوتبال در بیان قضائی دارد (بدروسته ها البته برداشان و مام گفتم هستی) و بعد صفحات خود را با این حمله که اگر نویسندگان بازم ادامه دهند تعویب مقامات انتظامی می‌دهم البته فراموش فرموده بودند که دیگر بنگارند (چون امنیت به فرمان ایشان است و شاید خوانندگان آیرا از اعلامیه دولت که در باره ارتش منتشر کرده استناد کند و آنجا هم شک و تردید است که ارتشمان او را قبول داشته باشند . خوب می‌دانند که هنوز آنه با با با تفنگ نورسیدار از سمتری نمی‌توانند بزنند) بعد از آنکه گروه روز متعلق صاحب دارد (چون هند خرابتر رانده گترین (مخمسین فکری) کلک زد و برنده ساختیم و بعد هر بار یک تفری استناد دروغین - دیگر آن همه را لاری برد ( البته منظور تقصیر خسروانی رویا هاست است که هنوز برای خود در خواب می‌سازد و به نظر من ... )

در این نهفتی که در این مملکت موجود آمده (بخاطر ایشان طرفداران نهفت خمینی‌ستند) می‌تواند از پیشگامان ورزش مخصوصاً مسلمانان و مسلمانان بود ببرد و از موقعیت دسترس مندانه ورزشی دیگر (بگفته خوشی) که عنوان آن بود گروه ورزشی مبارز را جهت دفاع از حقوق و برابری مردم (منظور ایشان این است که تا حالا کم بربرداری کرده‌اند و از این بعد پیشگامان جمع شوند تا ایشان بیشتر بهره برداری کند) .

نسیان افراط شخصی و خصوصی (منظور ایشان از آنست که ایشان افرادی مخصوص را نسیان می‌کنند) . می‌دانند نسخه این کارها از یک جامعه بزرگ ، جز دیگری نمیدانند خوب توجه دارند و این موضوع را گفتمس با اشاره به نظریه ایشان می‌نمایند در مس خنک هیاتران (منظور از هرکس ورزشی است) پس هیاتران مخصوصاً با طبعه و درآوردند (ایشان فراموش کرده‌اند که در صفحه مقاله) پس هیاتران را که ایشان معلومی دیگر کرده‌اند ، جاسوس و تودهای و سازمان‌های خوانده بودند) حالا هرچه می‌خواهند بکنارند .

۳۴ سال است که مرتب دارند باره‌ای نسیان می‌کنند و نوشته‌هایشان دیگر دستمخسند است و این چون حرفهایشان با نایل و مسرتک نیست ، راهی چنانی برده‌اند و ضعیف خویشان کرد (ایشان عواقب انقلابی ندارند ، چون می‌دانند که دروغ می‌نویسند (ایشان هیچ به دانشمندان و نویسندگان و چون در عرض ۲۴ سال حاکم وقت از ایشان نسیان می‌کرد ، خیال می‌کنند حالهم ، به همان وضع ناسی خواهد ماند) .

سوال دوم : سوال کرده بودند ، اون چند هزار نفری را که از هم و از اطراف به حمایت آیت‌الله امام خمینی در سال سیاه و دو به تهران آمده بودند و یک سرتیگه همه و شما (منظور سرهنگ فرماندهی ناهجه تک نامی) از آن (نسیان) از دم رگبار کشته گردانیده بودند و بعد اجداد آنها را در خانه های اطراف رشتند آیا شما بودند ؟ در جواب

دوست محترم اگر فراموش کرده باشید ، هفته گذشته در جواب تیمسار سیدبازرگانی خسروانی همکاره سازمان ورزشی و فرهنگی تاج هفت هفت و هفت روزگاری دیگر (بگفته خوشی) که عنوان آن بود گروه ورزشی مبارز را جهت دفاع از حقوق و برابری مردم (منظور ایشان این است که تا حالا کم بربرداری کرده‌اند و از این بعد پیشگامان جمع شوند تا ایشان بیشتر بهره برداری کند) .

نسیان افراط شخصی و خصوصی (منظور ایشان از آنست که ایشان افرادی مخصوص را نسیان می‌کنند) . می‌دانند نسخه این کارها از یک جامعه بزرگ ، جز دیگری نمیدانند خوب توجه دارند و این موضوع را گفتمس با اشاره به نظریه ایشان می‌نمایند در مس خنک هیاتران (منظور از هرکس ورزشی است) پس هیاتران مخصوصاً با طبعه و درآوردند (ایشان فراموش کرده‌اند که در صفحه مقاله) پس هیاتران را که ایشان معلومی دیگر کرده‌اند ، جاسوس و تودهای و سازمان‌های خوانده بودند) حالا هرچه می‌خواهند بکنارند .

۳۴ سال است که مرتب دارند باره‌ای نسیان می‌کنند و نوشته‌هایشان دیگر دستمخسند است و این چون حرفهایشان با نایل و مسرتک نیست ، راهی چنانی برده‌اند و ضعیف خویشان کرد (ایشان عواقب انقلابی ندارند ، چون می‌دانند که دروغ می‌نویسند (ایشان هیچ به دانشمندان و نویسندگان و چون در عرض ۲۴ سال حاکم وقت از ایشان نسیان می‌کرد ، خیال می‌کنند حالهم ، به همان وضع ناسی خواهد ماند) .

سوال دوم : سوال کرده بودند ، اون چند هزار نفری را که از هم و از اطراف به حمایت آیت‌الله امام خمینی در سال سیاه و دو به تهران آمده بودند و یک سرتیگه همه و شما (منظور سرهنگ فرماندهی ناهجه تک نامی) از آن (نسیان) از دم رگبار کشته گردانیده بودند و بعد اجداد آنها را در خانه های اطراف رشتند آیا شما بودند ؟ در جواب

11

فکری یازده سال بعد در دی ماه ۱۳۵۷ که بوی انقلاب در سراسر مملکت پیچیده بود در پاسخ به آن حکم خسروانی در دنیای ورزش نوشت کدام مصالح عمومی و کدام مقتضیات اجتماعی؟ زمانی که خسروانی رئیس سازمان تربیت‌بدنی شد تا وقتی که حکم بستن تهران جوان را صادر کرد یک ماهی بیشتر نمی‌گذشت و این یک ماه هم اغلب تعطیل بود تا پرونده کمک‌های دریافتی تاج از سازمان که ما لیست آن را داشتیم از بین ببرد. من در همین دوران یک ماه هم به عنوان مربی تیم ملی در فدراسیون سررهنگ سرودی کار می‌کردم و موردی پیش نیامد تا بتواند آن را مستمسک قرار دهد و دشمنی خود را با من که از کانون باشگاه‌های آن زمان سرچشمه می‌گرفت اعمال نماید. مطلب بر سر این بود که این لغات نام‌نوس که کنار هم چیده شد و حتی خود او معنی کلمه به کلمه آن را نمی‌داند برای انحلال تهران جوان موردی نداشت و کوبی فراموش کرده بود ایشان نه وزیر دادگستری بودند، نه مسئول تعیین هویت و نه سازمان امنیت و شهرستانی. تنها ایرادی که می‌توانستند به باشگاه ما بگیرند از لحاظ ورزشی بود که متأسفانه برایش مقدور نبود زیرا بهترین تیم‌های والیبال، بسکتبال، فوتبال، دوچرخه‌سواری و شطرنج آن زمان را داشتیم. حتی بعد از مدتی دریافتیم که انحلال تهران جوان برای انتقال بازیکنان میز ما به تاج هم بوده و فقط ناشی از انتشار بولتن نبوده. که آن هم به جهت اصالت بازیکنان خوب تهران جوان، عملی نشد و هنگامی که چنین دید به